



مشاوره تحصیلی هیوا

تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

مشاوره تخصصی ثبت نام مدارس ، برنامه ریزی درسی و آمادگی
برای امتحانات مدارس

برای ورود به صفحه مشاوره مدارس کلیک کنید

برای ورود به صفحه نمونه سوالات امتحانی کلیک کنید

تماس با مشاور تحصیلی مدارس

۹۰۹۹۰۷۱۷۸۹



تماس از تلفن ثابت

و دانش پژوهان جوان



بانگاه دانش پژوهان جوان

نام: _____
 نام خانوادگی: _____
 کد ملی: _____
 شماره صندلی: _____ شماره پرونده: _____
 حوزه امتحانی: _____
 استان / منطقه: _____

**مطابق توضیحات
دفترچه تکمیل شود**

کد دفترچه

۱ ۲

نام و نام خانوادگی خود را
با دستخط بنویسید.

پاسخ نامه آزمون مرحله دوم المپیاد ادبی
 اردیبهشت ۱۳۹۵
 کد _____

غلط (X) (✓) (○) (□) (●)

صحيح (✓)

تمام سلول مورد نظر مطابق نمونه صحيح پر شود:

۱	۱	۲	۳	۴	۲۶	۱	۲	۳	۴	۵۱	۱	۲	۳	۴	۷۶	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴	۲۷	۱	۲	۳	۴	۵۲	۱	۲	۳	۴	۷۷	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴	۲۸	۱	۲	۳	۴	۵۳	۱	۲	۳	۴	۷۸	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴	۲۹	۱	۲	۳	۴	۵۴	۱	۲	۳	۴	۷۹	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴	۳۰	۱	۲	۳	۴	۵۵	۱	۲	۳	۴	۸۰	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴	۳۱	۱	۲	۳	۴	۵۶	۱	۲	۳	۴	۸۱	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴	۳۲	۱	۲	۳	۴	۵۷	۱	۲	۳	۴	۸۲	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴	۳۳	۱	۲	۳	۴	۵۸	۱	۲	۳	۴	۸۳	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴	۳۴	۱	۲	۳	۴	۵۹	۱	۲	۳	۴	۸۴	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴	۳۵	۱	۲	۳	۴	۶۰	۱	۲	۳	۴	۸۵	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴	۳۶	۱	۲	۳	۴	۶۱	۱	۲	۳	۴	۸۶	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴	۳۷	۱	۲	۳	۴	۶۲	۱	۲	۳	۴	۸۷	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴	۳۸	۱	۲	۳	۴	۶۳	۱	۲	۳	۴	۸۸	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴	۳۹	۱	۲	۳	۴	۶۴	۱	۲	۳	۴	۸۹	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴	۴۰	۱	۲	۳	۴	۶۵	۱	۲	۳	۴	۹۰	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴	۴۱	۱	۲	۳	۴	۶۶	۱	۲	۳	۴	۹۱	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴	۴۲	۱	۲	۳	۴	۶۷	۱	۲	۳	۴	۹۲	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴	۴۳	۱	۲	۳	۴	۶۸	۱	۲	۳	۴	۹۳	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴	۴۴	۱	۲	۳	۴	۶۹	۱	۲	۳	۴	۹۴	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴	۴۵	۱	۲	۳	۴	۷۰	۱	۲	۳	۴	۹۵	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴	۴۶	۱	۲	۳	۴	۷۱	۱	۲	۳	۴	۹۶	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴	۴۷	۱	۲	۳	۴	۷۲	۱	۲	۳	۴	۹۷	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴	۴۸	۱	۲	۳	۴	۷۳	۱	۲	۳	۴	۹۸	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴	۴۹	۱	۲	۳	۴	۷۴	۱	۲	۳	۴	۹۹	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴	۵۰	۱	۲	۳	۴	۷۵	۱	۲	۳	۴	۱۰۰	۱	۲	۳	۴

سازگار با علامت خوان پایا 1-3-3-1004YSC

پاسخنامه تشریحی مرحله دوم المپیاد ادبی هیوا تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۱. گزینه ۳. رستم در دوگانگی میان گریز یا کشتن اسفندیار نیست؛ زیرا او هرگز به گریز نمی‌اندیشد و حتی حاضر نیست برای مصلحت، تن به بند بدهد.
۲. گزینه ۳. یعنی ماجرای حسنک متفاوت بود که بر اساس تمایل به امیرمحمد و پیروی از دلخواه و فرمان سلطان محمود، مسعود را آزوده کرد و کارهایی انجام داد و چیزهایی گفت که همپایگان شاهزاده، آن را نمیتوانند تحمل کنند.
۳. گزینه ۳. از جمله‌های کلیدی داستان است که از زبان شیر بیان می‌شود. صورت صحیح چنین است: «به عقل و مروت خویش پیدا آید در میان قوم».
۴. گزینه ۴. منظور از این دو بیت این است که هرکس در جهان زندگی کرد، آرزویی پخت و سپس مرد، بدون اینکه بتواند به جایی برسد؛ یعنی ما در این دنیا گذرنده‌ایم و قرار نیست کامل کامروا باشیم.
۵. گزینه ۳. در گزینه یک، «از سر باز کردن» و «از هول هلیم توی دیگ افتادن»، در گزینه دو، «کسی را از آب و گل درآوردن» و «به سر و سامان رساندن» و «نفس راحتی کشیدن»، و در گزینه چهار، «ته کشیدن» و «کفگیر به ته پیت خوردن» کنایه هستند.
۶. گزینه ۳. شاعر در این بیت، سخاوت و بخشندگی خود را ستوده است، نه صبر و تحملش را.
۷. گزینه ۳. مضمون سه بیت دیگر، عزا و اندوه است؛ اما مضمون بیت سوم، میل به عشق و عدم (و شور شهادت و فنا) است، نه عزا.
۸. گزینه ۳. در سه بیت دیگر، به ترتیب کلمات «بیداد ظالمان شما»، «عوعو سگان شما» و «ناکسان شما» دال بر نکوهش و ذم هستند، اما چنین عبارتی در گزینه سوم نیست.
۹. گزینه ۳. دست نهاد است و خوش مسند است. جمله مخفف «دست (تو) خوش باد» است. در گزینه ۱، «چه خبر»، گروه اسمی مسند است: «چه خبر است؟». در گزینه ۲، «به سلامتی» متمم قیدی است و در گزینه ۴، «قربان شما» گروه اسمی است که یا مسند است: «من قربان شما میشوم» یا متمم: «من به قربان شما میروم».
۱۰. گزینه ۴. در گزینه چهار، فقط «روبه رویی» میانوند دارد. در گزینه یک، «دوشادوش» و «سربه‌زیر»، در گزینه دو، «مالامال» و «دست به نقد»، و در گزینه سه، «سراشویی» و «برابری»، میانوند دارند.
۱۱. گزینه ۳. «دور، هر، هفت» سه وابسته وابسته هستند.
۱۲. گزینه ۲. در گزینه‌های دیگر، «تربیت» و «ضربان» ساده هستند و «گهگاه» مرکب است.
۱۳. گزینه ۳. «برهه» صحیح است.
۱۴. گزینه ۳. سرانجام/بر/آن/نهادند/که/پهلوان/—/ایرانی/تیری/به/خاور/رها/کند/هر/جا/که/تیر/پایین/آید/مرز/—/ایران/و/توران/شناخته می‌شود.

۱۵. گزینه ۲. در گزینه یک، همزه‌های نخستین «از» و «آن»، در گزینه دو، همزه نخستین «آمد»، در گزینه سه همزه‌های نخستین «ارمغان» و «او»، و در گزینه چهار، همزه‌های نخستین «آن» و «ای» حذف شده‌اند.

تاریخ ادبیات و آرایه‌های ادبی

۱۶. گزینه ۴. «جلالیه» رساله‌ای است مشتمل بر حکایاتی به نظم و نثر از محتشم کاشانی.
۱۷. گزینه ۳. دربار فتحعلی شاه از جهت ادبی شبیه دربار غزنوی بود؛ زیرا وی شعرای مشهوری چون قآنی را گرد خود آورد که به سبک شعرای دوره غزنوی قصاید مدحی می‌سرودند.

۱۸. گزینه ۳. این دو بیت از یکی از مشهورترین غزل‌های فرخی یزدی است.

۱۹. گزینه ۳. زیرا مکتب وهم‌گرایی به «هر نوع خواب دیدن در حالت بیداری» اصالت هنری بخشیده است، نه هر نوع خواب دیدنی.

۲۰. گزینه ۱. در این گزینه معشوق ماه دازسته شده است و دیگران خور شید. حال آنکه در سنت ادبی ما همیشه خور شید بر ماه برتری دارد و زیباتر و روشن‌تر از ماه است. پس شاعر با این بیت زیبایی معشوق را از دیگران کمتر شمرده است!

۲۱. گزینه ۴. در گزینه نخست، می‌شود گفت مرجان (استعاره مصرحه از اشک خونین) از چشمم افتاد یا جانم در چشمم بی‌ارزش شد. در گزینه دوم، «بام» پایان بیت هم می‌تواند به معنی صبح باشد و هم بام خانه. در گزینه سوم، «کم اوفتد» هم یعنی کم پیدا می‌شود و هم یعنی کم می‌افتد و کم عاشق می‌شود. گزینه چهارم ایهام ندارد. بلکه «نی» (به معنی «نه») با «قلم» ایهام تناسب دارد.

۲۲. گزینه ۳. در گزینه نخست، دهن معشوق به شکر تشبیه مضمر و تفضیلی شده است و قامت او به سرو. در دومین گزینه، معشوق به سرو از جهت بلندی و به ماه از جهت زیبایی تشبیه مضمر و تفضیلی شده است. در سومین گزینه، شاعر ابروی یار را آشکارا با محراب همانند دانسته است و زلف او را با چلیپا (صلیب). در گزینه پایانی نیز، معشوق با تشبیه مضمر و تفضیلی به سرو مانند شده است.

۲۳. گزینه ۳. در نخستین گزینه، «به» میوه‌ای است که چون با «بد» به کار رفته است معنای «خوب» از آن تداعی می‌شود. در گزینه ۲، «سر» و «قدم» تضاد دارند. در گزینه ۴، «درست» به معنی معلوم و ثابت شده به کار رفته است و با «بشکنم» ایهام تضاد دارد و معنای نشکسته از آن به ذهن می‌رسد.

۲۴. گزینه ۲. در گزینه نخست «راه» ایهام تنها دارد (به معنی راه پیمودنی است و در تنا سب با مطرب معنای راه مو سیقایی را تداعی می‌کند)، در سومین «دوران» (به معنی چرخیدن است و در تناسب با «ایام»، روزگار را تداعی می‌کند)، و در چهارمین، «پروانه» (در اصل «اجازه» و در تناسب با «شمع»، «شب‌پره»).

۲۵. گزینه ۱. در این گزینه تشبیه‌های مفرد داریم و در باقی گزینه‌ها تشبیه مرکب.

غزلیات سعدی

۲۶. گزینه ۴.

۱× در این بیت، به قیاس «موی دلبر»، باید «سرو» را به «قامت» اضافه کرد؛ اما از آنجا که نهاد جمله بجای «سرو قامت»، می‌تواند «سرو قامت» باشد، خواندن «سرو» به سکون نیز منع دستوری ندارد.

۲× اگر «همه» را صفت مبهم بدانیم، صورت مرتب شده جمله اینگونه است: همه [ی] صوفیان دردا شام (نهاد) بر این شراب [هستند]. اگر «همه» را قید در نظر بگیریم، صورت مرتب شده جمله از این قرار است: همه (/ فقط) صوفیان دردا شام (نهاد) بر این شراب [هستند]. در هر دو صورت «صوفیان» بخشی از نهاد است (موصوف) و باید به واژه پس از خود اضافه شود. افزون بر این، وزن مصراع نشان می‌دهد که «صوفیان» باید به واژه پس از خود اضافه شود.

۳× صورت مرتب شده جمله اینگونه است: [کس] ماه مبارک طلوع (مفعول) [ندید]؛ «ماه» بخشی از مفعول جمله است (موصوف) و باید به واژه سپسین اضافه شود.

۴× صورت مرتب شده جمله اینگونه است: رای (نهاد/ مسندآلیه)، خداوند را (/ از آن خداوند) است؛ پیدا است که مسندآلیه نمی‌تواند به مسند اضافه شود.

۲۷. گزینه ۱. همراهی «طوفان» و «تنور» در این بیت، یادآور طوفان نوح است، که از تنور پیرزنی آغاز شد.

۲۸. گزینه ۳.

۱× به همسایه بگویند که علیه من شهادت بدهد که «مست و عاشق است»، چرا که من خود اعتراف می‌کنم (اگر مجرم خود اعتراف کند، نیاز به شهادت دیگری نیست).

۲× من کسی نیستم که در اثر ستم از پیش خواسته خود فرار نکنم (= اگر بر من ستم کنند از خواسته خود دست می‌کشم)، [همانگونه که] پرنده‌ای که پایش در دام گرفتار شده است با دست تکان دادن و کش کردن از جای خود تکان نمی‌خورد (کسی که می‌گریزد شباهتی با پرنده‌ای که نمی‌تواند بگریزد ندارد).

۳× این عجیب است که با وجود انبوهی و آزار این همه خار، هیچ‌گاه نشد که بوی صبح به مشام من برسد و مانند گل شکفته و خندان نشوم (اگرچه از فراق رنج بسیاری می‌کشم، همچنان بوی نسیم صبحگاهی مرا به وجد می‌آورد).

۴× مراقب چشم خود بودیم تا [به زیبارویی ننگرد و] دل از دستمان نرود؛ با این همه چابکی، از کمند [عشق زیبارویان] رها شدیم (قید «با این همه» با آن همه» زمانی به کار می‌رود که امری، که بر آن تأکید یا مداومت بسیاری شده است، نتیجه‌ای که از آن انتظار می‌دهد را ندهد؛ برای مثال: «با آن همه زور شکست خورد»، یا «با این همه آهن و تلب از پشش برنیامدی؟». در نتیجه مصراع دوم این بیت باید چنین باشد: با آن همه چابکی نتوانستیم رها شویم).

۲۹. گزینه ۱.

۱× ای سعدی، اگرچه حدیث «حبّ وطن» حدیث صحیحی است، نمی‌توان در سختی جان داد [با این توجیه] که: من اینجا متولد شده‌ام.

۲× ای مطرب مجلس بنال و ترانه سعدی را بخوان، [برای من] شراب انس (= دوستی، که مانند شراب مستی‌آور است) بیاور، [چرا] که من اهل شراب [انگوری] نیستم.

۳× من روی خود را از [جانب] تو [به سوی] دیگری نمی‌گردانم، [چرا] که هر روز قبله دیگری داشتن [برای] من زشت است.

۴× ای آسمان، یک دم دریچه صبح را ببند (= به صبح اجازه طلوع مده)، [چرا] که امشب من با قمر خوشم.

۳۰. گزینه ۳.

۱× بود+ شناسه / بود+ شناسه

۲× ... / بود+ شناسه

۳× ... / بود+ متمم

۴× ... / بود+ شناسه

۳۱. گزینه ۴.

۱× این مقدار می‌بینم: به این قدر و مرتبه می‌رسم

۲× که طوطیان چو سعدی درآوری به کلام: طوطیانی مانند سعدی (= افراد شیرین‌گفتاری مانند سعدی) را به سخن گفتن وامی‌داری

۳× مثل تو صیاد را کس نگریزد ز دام: کسی از دام صیادی مانند تو نمی‌گریزد

۴× مطاوعت به گریزم نمی‌کنند اقدام: پاهایم برای فرار از من فرمان نمی‌برند

۳۲. گزینه ۳.

۱× من اول روز دانستم که با شیرین درافتادم: من همان روز اول که با شیرین طرف شدم فهمیدم

۲× من همان روز بگفتم که طریق تو گرفتم: من همان روز که راه تو را در پیش گرفتم، فهمیدم

۳× تو گرمتری ز آتش من سوخته‌تر ز آنم: تو از آتش گرمتری و من سوخته‌تر از سوخته‌ام

۴× سخت سیه‌دلی بود آنکه ز دوست برکنم: دلی که از دوست بکنمش، دل بسیار سیاهی است

۳۳. گزینه ۳.

۱× بوی پیراهن گم کرده خود می‌شنوم: «گم کرده» مضاف الیه «پیراهن» است («گم کرده» صفت جانشین مو صوف و کنایه از شخص گم کرده است).

۲× کهریا را بگو که من کاهم: به کهریا بگو [که مرا نکشد، چرا] که من کاه هستم [و مجبورم که به سوی کهریا بروم]

پاسخنامه تشریحی مرحله دوم المپیاد ادبی هیوا تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۳۷) با طاق افتد: برملا می شود (معنی بیت اینگونه است: تردیدی نیست که این ماجرا آشکار خواهد شد، [به همه] بگو که بدانید که من دچار غم او هستم [این رسوایی برای من اهمیتی ندارد]. در این عبارت «طاق» به معنی «ایوان» است. «بر طاق نهادن» در این بیت از سنایی نیز به همین معنی به کار رفته است: لا ابالی پیشه گیر و عاشقی بر طاق نه (= بی باکی پیشه کن و عاشق بودن خود را آشکار کن) / عشق را در کار گیر و عقل را بی کار کن.

۴) «باید» از افعال بدون شخص است که جمله پیرو را به مصدر تأویل می کند. برای دریافتن نقش اجزای این جمله، باید آن را به صورت اسنادی برگرداند: [آیا] پیشانی کردن موم (نهاد) بایسته است؟

۳۴. گزینه ۴.

۱) سعدیا با تو نگفتم که مرو از پی دل؟ / نروم باز گر این بار که رفتم جستم

۲) بلبل بوستان حسن توام / چون نیفتد سخن در افواهم؟

۳) نه توانگران ببخشند فقیر ناتوان را؟ / نظری کن ای توانگر که به دیدنت فقیرم

۴) نه او به چشم ارادت نظر به جانب ما / نمی کند، که من از ضعف ناپدیدارم

۳۵. گزینه ۱.

۱) پیچیدن: (برای پا) برگرداندن پا، بازگشتن؛ (برای دل) رنج بردن؛ فرو بستگی: (برای بار) بسته شده بودن؛ (برای دل) دچار اندوه و قبض بودن.

۲) سخن درباره دشواری به راه افتادن و جدا شدن از یار است.

۳) «پای» به «دل» اضافه نشده است و عبارت «پای دل» اصلاً در بیت وجود ندارد.

۴) «پای پیچیدن» کنایه از «بازگشتن، عوض کردن راه» است.

۳۶. گزینه ۴.

۱) هرکه در آتش نرفت بی خیر از سوز ما ست / سوخته داند که چیست پختن سودای خام (در برخی از چاپ‌های غزلیات، «سوز» آمده است که نادرست است و ضبط فروغی همان «سوز» است؛ معنی بیت: هرکس که در آتش نرفته باشد از سوز و گداز ما خبر ندارد؛ آن کس که [از آتش محرومی] سوخته باشد می داند که هوس باطل داشتن چه دردی دارد).

۲) مکنید دردمندان گله از شب جدایی / که من این صبح روشن ز شب سیاه دارم

۳) از این قدر نگریرم که بوسی از دهند / اگر حلال نباشد حرام برگیرم

۴) آرزو می‌کنم در همه عالم صیدی / که نباشند رفیقان حسود انبازم

۳۷. گزینه ۱.

۱) چون کیوتر بگرفتیم (= مرا گرفتی) به دام سر زلف / دیده بردوختی از هر دو جهان چون بازم (= دیده مرا از هر دو جهان چون باز بردوختی)

پاسخنامه تشریحی مرحله دوم المپیاد ادبی هیوا تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

۲× دشمن خویشتم (= هستم) هر نفس از دوستی او / تا چه دید از من مسکین که ملول است ز خویم

۳× اگر فردا به زندان می‌برندم / بنقد این ساعت اندر بوستانم (= هستم)

۴× مپرسم دوش چون بودی به تاریکی و تنهایی / شب هجرم چه می‌پرسی که روز وصل حیرانم (= هستم)

۳۸. گزینه ۱.

۱✓ گویند پای دار اگر ت سر دریغ نیست / گو سر قبول کن که در (بجای یک هجای کوتاه آمده است؛ غلط) پایش درافکنم

۲× همه بر من چه زنی زخم فراغ ای مه خوبان / نه منم تنها («ها» بجای دو هجای کوتاه آمده است؛ صحیح) کاندر خم چوگان

تو گویم

۳× روز هجران بدانستم («تم» بجای دو هجای کوتاه آمده است؛ صحیح) قدر شب وصل / عجب ار قدر نبود آن شب و نادان

بودم

۴× دگر من از شب تاریک هیچ غم نخورم / که هر شبی را («را» بجای دو هجای کوتاه آمده است؛ صحیح) روزی مقدر است

انجام

۳۹. گزینه ۴.

۱× منظور امر / نهی است؛ چرا که «ادب کردن» و «پند دادن» بیهوده است.

۲× منظور امر / نهی است؛ چرا که عاشق به آلاله علاقه‌ای ندارد.

۳× منظور امر / نهی است؛ چرا که «وعظ» و «توبه دادن» بیهوده است.

۴✓ منظور بی تفاوتی است؛ اگر باد می‌خواهد خرمن عمر مرا ببرد، بگو ببرد، برای من اهمیتی ندارد.

در سه گزینه نخست گوینده واقعاً می‌خواهد که مخاطب به شخص مورد نظر (معلم، پدر، باغبان، عالم شهر، پیر محله) بگوید

که کاری را انجام ندهد / بدهد (امر یا نهی بودن بسته به فعل جمله پیرو است)، چرا که آن کار بیهود یا بی‌ارزش است؛ اما در

گزینه چهارم مراد گوینده آن نیست که واقعاً به باد بگویند که خرمن عمر او را ببرد، بلکه می‌خواهد نشان دهد که «اگر باد

خرمن او را برد، برای او اهمیتی ندارد».

مثنوی معنوی

۴۰. گزینه ۱. در این گزینه سخن با مخاطب شعر است و در همه گزینه‌های بعدی معجزات حضرت داوود (ع) است که در خطاب

به خود ایشان بازگو می‌شود.

۴۱. گزینه ۱. در گزینه ۲ مصراع دوم چنین بوده است: «که چو جزوی سوی کلّ خود روی» و فقط اینگونه می‌تواند معنی بدهد. در

گزینه ۳ «آفتاب» است که به جای «ماهتاب» با ذره تقابل دارد. درباره گزینه ۴ نیز، چنان که می‌دانید، ابلیس «گفت من از آتشم،

آدم ز طین».

۴۲. گزینه ۱. صدای فاخته و نام دیگر این پرنده «کوکو» است.

۴۳. گزینه ۲. در گزینه نخست «تو» (ضمیر دوم شخص) /tu/ خوانده می شود و با «رو» (صورت) قافیه می گردد. در گزینه سوم «ندا» ندی خوانده می شود (هم قافیه با «مسندی») و در گزینه پایانی «امام» امیم (قافیه «شدیم»). اما در گزینه دوم، در «مرا» و «ترا» روی الف است که در «را» قرار گرفته و این کلمه اساس قافیه هر دو بیت شده است؛ پس عیب ایضا را در این قافیه می بینیم. گفتنی است نوعی از رسم الخط در نسخ خطی قدیم آن بوده که کلمات ممال را با همان املائی اصلی بنویسند ولی هنگام خواندن صورت اماله شده آن را بخوانند؛ یعنی «ندا» و «امام» می نوشته اند و «ندی» و «امیم» می خوانده اند.

۴۴. گزینه ۱. «جمله» در قدیم یای ابتر نمی گرفته است و یای ابتری که پس از آن آورده شده بیت را از وزن خارج کرده است.

۴۵. گزینه ۴. «عیسی» در سه بیت نخست، چنان که معمول است، بر وزن فعلن (دو هجای بلند) آمده است و در این بیت بر وزن «فعل» (یک هجای بلند و سپس یک کوتاه).

۴۶. گزینه ۲. در این گزینه سخن از خلاف آمد عادت و معجزه و بر هم ریختن قانون علیت است. اما گزینه نخست یافته های حواس را به وجود تن وابسته می داند و دو گزینه آخر به ترتیب در تشویق به کنار گذاشتن حواس ظاهری و قوای جسمی است و تأکید بر لزوم تلاش اقتصادی برای به دست آوردن روزی.

کلیله و دمنه

۴۷. گزینه ۲. در گزینه های یک، سه و چهار «درویشی» با بایای مصدری و در معنای «درویش بودن» به کار رفته است. در گزینه دو «درویشی» یای نکره دارد: ...نیکو حال تر از فقیری است که نیازمند مردم است.

۴۸. گزینه ۱. مؤونت: بار گران فکری و آنچه در راه طلب مقصودی باید تحمل کرد. معونت: کسی را یاری کردن. با توجه به معنای دو کلمه، عبارت نخست، معنای مناسبی ندارد و باید «معونت» جایگزین آن شود: خواستم که بوسیله اخلاق پسندیده و عادت ستوده تو را کمک کنم. صورت در ست این جمله در خط شش و هفت صفحه ۱۸۲ کتاب آمده است. نکته ای که در مورد این پرسش قابل ذکر است آن است که گزینه چهار نیز، اگرچه در متن استاد مینوی به همین صورت آمده (ص ۱۸۵، خط ۲) ظاهراً معنای مناسبی ندارد و ممکن است تصحیف کلمه دیگری بوده باشد. استاد محمد فرزانه نیز در یادداشتهای خود بر کلیله و دمنه در مورد این عبارت چنین نوشته اند: کلمه «معونت» در این عبارت غریب و از لحاظ معنی رکیک می نماید. گو اینکه عبارت «و یکی از معاونت و خر سندی...» که در کلیله گرگانی هم ثبت است خالی از خلل نشان داده نمی شود. (کلیله و دمنه، با انتقادات استاد سید محمد فرزانه، حواشی به اهتمام محمد روشن، چاپ اول، مؤسسه نشر اشرفی، ۱۳۷۹: ص ۴۴۹) به هر روی، با توجه به اینکه در متن استاد مینوی، همین صورت از کلمه قرار گرفته است و حتی اگر تصحیفی رخ داده باشد، ارتباطی به «مؤونت» ندارد، متن گزینه چهارم را باید درست دانست.

۴۹. گزینه ۳. در این گزینه «که» به عنوان حرف اضافه و در معنای «از» به کار رفته است: [تحمل] انواع ترس و خطر، برای رسیدن به مالی کم، برای انسان حریص آسانتر است از دست‌دراز کردن برای گرفتن مال (= به دست آوردن مالی به آسانی) برای انسان بخشنده.

۵۰. گزینه ۱. در متن گفته شده وقتی طرفین قدرت برابری دارند (مانند فیل و شیر) می‌توانند به طریقی با یکدیگر صلح کنند: این جنس چنان متأصل نگردد که قلع آن در امکان نیاید، و آخر بحیلت بلابندی توان کرد و گربه‌شانی در میان آورد. گزینه‌های دیگر به این جملات متن اشاره دارند:

(۲) چون دو تن را با یکدیگر دشمنیافتگی افتاده باشد... پیش از سپری‌گشتن ایشان انقطاع آن صورت بندد. (۳) و این جنس چنان متأصل نگردد که قلع آن در امکان نیاید.

(۴) و دوم چنانکه از آن موش و گربه، و زاغ و غلیواژ و غیر آنست، که در آن مجاملت هرگز ستوده نیامده است.

۵۱. گزینه ۲. اشتباهات گزینه‌های دیگر:

(۱) «این در را لازم گرفته‌ام»: لازم گرفتن جایی: مقیم و ملازم آنجا شدن. (رک. دهخدا، ذیل «لازم گرفتن») معنی جمله: من بر این در (در دوستی تو) مقیم هستم.

(۳) «غدر»: مکر و فریب. «دوستی تو را خریدارم»: خواهان دوستی با تو هستم.

(۴) «محظور است»: ممنوع است.

متأسفانه اشتباه کوچکی نیز در این پرسش رخ داده و آن حذف شدن کلمه «اگر» در گزینه سه است که منطبق با متن کلیله و دمنه در خط دهم صفحه ۱۶۶ (و این مدافعت در ابتدای سخن بدان کردم تا اگر غدري اندیشی...) نیست. اگرچه ساختار جمله همچنان معنادار است و این ساخت شرطی در فارسی به کار رفته و می‌رود، بهتر بود متن پرسش با متن اصلی منطبق می‌بود.

۵۲. گزینه ۱. معنای درست: اگر جوانمردی گرفتار شود یاری‌گر او، [تنها] جوانمردان می‌توانند باشند. توضیح آنکه «در سر آمدن» لغتاً معنای «به زمین خوردن و سکندری خوردن» می‌دهد، و می‌توان مجازاً آن را به «گرفتار شدن»، بازگرداند.

۵۳. گزینه ۳. ضمیر «آن» به مودت برمی‌گردد.

ادبیات داستانی (یورپلنگانی که با من دیده‌اند)

۵۴. گزینه ۱.

۵۵. گزینه ۴. همانطور که می‌بینیم نویسنده مؤکداً راوی (زاویه دید) را بین اول‌شخص مفرد و سوم‌شخص در نوسان قرار می‌دهد.

۵۶. گزینه ۱. متأسفانه تست ۵۶ تست چندان خوبی نیست. اساساً داستان محتوا محور نیست. اما در مجموع گزینه اول (با توجه به صفحه پایانی داستان) می‌تواند پاسخ این سؤال باشد.

۵۷. گزینه ۱. مراجعه به متن داستان.

۵۸. گزینه ۲. مراجعه به متن داستان.

۵۹. گزینه ۲. مراجعه به متن داستان.

اسرار التوحید

۶۰. گزینه ۲. اشتباهات گزینه‌های دیگر:

(۱) دستوری: اجازه.

(۳) «حجاب را حفظ کن» ارتباطی به ناشناس ماندن ندارد؛ حال آنکه غرض استاد امام این بوده که همسرش شناخته نشود.

(۴) دستوری: اجازه. پوشیده شو: پنهانی برو.

۶۱. گزینه ۲. اشتباهات گزینه‌های دیگر:

(۱) «ناطف» مفعول جمله دوم است و نهاد آن «کودک».

(۳) «طواف» صفت «کودک» است.

(۴) فعل گذرا به مفعول است و مفعول آن، چنانکه گفته شد، «ناطف» است.

۶۲. گزینه ۳. «آثار را محو بود» به معنای این است که آیا باز از بین رفتن ذاتها (مرگ جسمانی)، صفات آنان نیز از بین خواهد رفت؟

پاسخ ابوسعید نیز ناظر به همین مسأله است و میگوید هیچ چیز باقی نخواهد ماند و چگونه ممکن است هنگامی که ذاتی از بین

رود، صفتی باقی ماند؟ بنابراین گزینه سه که به مرگ و نیستی اشاره دارد، پاسخ درست است.

۶۳. گزینه ۱. اشتباهات گزینه‌های دیگر:

(۲) در عبارت «بر لب آب و ضو باید ساخت و بر آن سنگ دوی بگزارد و منتظر بود» فعل معین «باید» به قرینه لفظی حذف شده

است. پس از افعال معین مصدر یا مصدر مرخم (مانند این عبارت) می‌آید. در این گزینه «او نماز گزارد و منتظر شد» نه

بازتاب‌دهنده حذف «باید» است و نه بازتاب‌دهنده مصدر مرخم. از طرفی در عبارت اصلی، صحبتی از نفر سوم (=او) نشده

است و فاعل این سه فعل «باید ساخت»، «باید بگزارد» و «باید بود» دوم شخص است (=امر).

(۳) «او به آنجا می‌آید» نادرست است و مصادر مرخم «ساخت»، «بگزارد» و «بود» به صورت فعل سوم شخص معنی شده‌اند.

(۴) «بر آن سنگ دوی بگزارد» به معنی رو به سنگ نیست.

۶۴. گزینه ۴. اشتباهات گزینه‌های دیگر:

(۱) «ورد» معنای کار همیشگی ندارد.

(۲) «در وردی که مرا بود کسلی بود» یعنی در حین دعایی که عادتاً میخواندم، بی حوصلگی‌ای پیدا کردم.

۳) «قرآن خواندن» از متن بر نمی آید و ظاهراً «کوتاهی کردن» را می توان در معنای مجازی درست دانست. به هر روی، دست کم یک غلط برای حذف این گزینه وجود دارد.

۶۵. گزینه ۱. در جمله داده شده، «تمام» به معنای «کافی» و «بسنده» است. گزینه یک نیز دقیقاً همین معنا را دارد. معنای تمام در گزینه دو و سه «کامل» و در گزینه سه «بسیار» است.

۶۶. گزینه ۴. متن داده شده دقیقاً معنای برعکس این گزینه را دارد و قناعت کردن به رابطه با خویشاوندان را مذمت میکند.

۶۷. گزینه ۱. «پوشیده داشت» به معنای «به تن کرده بود، پوشیده بود» است.

شعر معاصر

۶۸. گزینه ۴. فراموش نکنیم که هرچند در قالب شعر افسانه نوآوری می بینیم و نوعاً افسانه را آغاز شعر مدرن فارسی می دانند افسانه نیما، به لحاظ قالب نیمایی نیست.

۶۹. گزینه ۳. به نظر می رسد گزینه ب هم تا حدی قابل قبول باشد، اما از آنجا که شعر نوقدمایی نوعاً تصویر-محور است واحد شعر در آن یک بند است و تصویر مد نظر شاعر در یک بند کامل می شود. این شعر به عروض سنتی پایبند است، و نمونه اعلای آن چهارپاره است.

۷۰. گزینه ۲. افعال باید حتماً در پایان سطور قطع شوند و گرنه شعر تبدیل به بحر طویل می شود. صورت یک شعر نیمایی در بحر

رمل (فاعلاتن) به شکل زیر است:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

فاعلاتن فاعلاتن فا

فاعلا

فا

فاعلاتن فاعلاتن فا

فاعلاتن فاعلن

۷۱. گزینه ۴. در این بند شاعر تصویری از آب تنی مریم به دست می دهد.

۷۲. گزینه ۴. در این گزینه از صنایع بلاغت سنتی (مثل اضافه تشبیهی و اضافه استعاری و...) خبری نیست.

۷۳. گزینه ۳. نیما در نامه ای خطاب به گلچین گیلانی نوشت: باز هم با من از این شوخی ها بکنید! این شعر نه ابداعات زبانی و نه عروض و تقطیع نیمایی دارد. حال و هوای نوستالژیک و اقلیمی آن مدنظر بوده است.

۷۴. گزینه ۳. می‌دانیم که پرویز ناتل خانلری مدیر مجله سخن بود و در برابر شعر کهن و شعر نو در «سخن» ادبیات نو قدمایی را نظریه پردازی می‌کرد.

۷۵. گزینه ۳. در باقی گزینه‌ها یک عنصر اضافه هست که در بیت نیست یا معنایی به بیت نسبت داده شده که در آن دیده نمی‌شود. گزینه سوم به وضوح بهتر از بقیه گزینه‌هاست.

۷۶. گزینه ۲. در گزینه دوم «ی» نکره است و در کاربرد معمولی خود به کار رفته است. بر خلاف گزینه اول و چهارم که «ی» کاربردی نه چندان مناسب دارد. در بیت سوم هم ضعف تالیف -ویژگی سبکی شعر نیما- دیده می‌شود.

۷۷. گزینه ۳. تنها گزینه‌ای که در آن هدف توصیف، وصف وضعیت خود راوی نیست، گزینه سوم است.

۷۸. گزینه ۲. «بانگ شغال» نهاد جمله قبل و «مرد دهاتی» نهاد جمله بعد است.

غزلیات حافظ

۷۹. گزینه ۲.

۱× مهد ماه: اضافه استعاری؛ ماه: استعاره از «معشوق»

۲× ندارد

۳× سهی سرو: استعاره از قد بلند

۴× مگس قندپرست: استعاره از «دل»

۸۰. گزینه ۱.

۱× ندارد

۲× سماع، جامه دریدن

۳× کوتاه گرفتن آستین خرقه

۴× نقش کردن نام‌های خداوند بر طراز جامه بزرگان متصوفه، دوختن خرقه بزرگان متصوفه با پارچه‌های گرانبها

۸۱. گزینه ۴.

۱× «بوسیدن چشم» به قصد تحسین و سپاسگزاری است.

۲× پیر بخاطر داشتن خدایی «عطابخش و خطاپوش» ستوده شده است.

۳× «خداش خیر دهد» به قصد تحسین است.

۴× ندارد

۸۲. گزینه دو. مانند قلم مطیع فرمان او هستیم و از روی اطاعت سر به فرمان او نهاده‌ایم، باشد که او به تیغ سر ما را قطع کند.

۸۳. گزینه ۱.

(۱۷)

۲× اگر عکس چهره تو در جام شراب من بیفتد مانند حباب از سر شوق کلاهم را به هوا می‌اندازم.

۳× هر لحظه به من عاشق دلسوخته لطف تازه‌ای می‌کند، این گدا را بین که چقدر شایسته بخشش دانسته شده است.

۴× تظاهر و ریا مکن، زیرا کسی که حقیقتاً در راه راست عشق نورزد، عشق راه ورود معنویت به دل او را می‌بندد.

۸۴. گزینه ۲. فروکش: توقف کن.

۸۵. گزینه ۴. سامری نمی‌تواند بر معجزه حضرت موسی پیروز شود.

۸۶. گزینه ۲. می‌خواستم که مانند شمع در پای او بمیرم اما او مانند نسیم سحری بود که از کنار من عبور نکرد.

۸۷. گزینه ۱.

(۱۷) شبه جمله

۲× ماضی از «دادن»

۳× ماضی از «دادن»

۴× ماضی از «دادن»

۸۸. گزینه ۴. ذات بد قابل تغییر نیست.

۸۹. گزینه ۴.

۱× «مومیایی» برای درمان شکستگی به کار می‌رفته است.

۲× معجون گلاب و قند (جَلَّاب) را برای بیماری‌های تنفسی مفید می‌دانسته‌اند.

۳× شراب را برای رفع تندخویی و سودا مفید می‌دانسته‌اند.

۴× «نمک ریختن بر زخم» (کنایه از «افزودن درد کسی») موجب افزایش سوزش زخم می‌شود و اثری در درمان آن ندارد.

۹۰. گزینه ۴. روزگار تغییرات زیادی را رقم زده است و به یاد دارد.

قابوس‌نامه

۹۱. گزینه ۲. سخن شکستن: رد کردن سخن(رک). لغت‌نامه دهخدا، ذیل شکستن)

نکته: در گزینه سوم «سخن درستی» یک ترکیب است(رک). قابوس‌نامه، به اهتمام و تصحیح غلام حسین یوسفی، ص ۵۱۰.

۹۲. گزینه ۲. در گزینه ۱ استفاده از «را» نهادی (یا متممی مخصوص فعل «باید») از ویژگیهای سبکی متون کلاسیک فارسی است که در قابوس نامه نیز دیده می شود: مرا نان آن کس نباید خورد= من نباید نان آن کس را بخورم/ برای من بایسته نیست خوردن نان آن کس.

در گزینه ۳ استفاده از «را» نهایی و به کار بردن فعل سوم شخص مفرد برای نهاد جمع: نیک بختان نیکی آرزو کنند و بدبختان زاد و بود [آرزو کنند= حذف به قرینه لفظی].

در گزینه ۴ نیز به کار رفتن دو حرف اضافه برای متمم «بر سر نان بر» را می توان از ویژگیهای نحوی متون کلاسیک دانست که در قابوس نامه نیز کاربرد دارد؛ ترکیب «بر کسی جنگ کردن» (بر خوان سلار بر خیره جنگ مکن) نیز از ترکیباتی است که در متون قدیم کاربرد دارد و در قابوس نامه نیز آمده است.

در گزینه ۲ هیچ ویژگی نحوی و صرفی وجود ندارد که نزدیک به ویژگیهای سبکی متون کلاسیک و نیز قابوس نامه باشد؛ «افراد انسان» نیز نمی تواند از واژگان متنی چون قابوس نامه باشد و به جای چنین ترکیبی معمولاً از «مردم» استفاده می کردند. حذف فعل به قرینه لفظی (همدلی می ورزند و همدردی [می ورزند]) نیز از ویژگیهای سبکی متعلق به متون کلاسیک نیست و در متون فارسی معاصر کاربرد دارد (سه گزینه پیشین همه برگرفته از قابوس نامه هستند و این گزینه از جملات مندرج در این کتاب نیست).

۹۳. گزینه ۲.

الف) تجربه را تجربه کردن
ت) نکوهش گدایی و درخواست
ث) مهمان نواز و بخشنده بودن

۹۴. گزینه ۲.

۱) برجای: در لغت به معنی ثابت و استوار؛ اینجا به معنی موقر و جافتاده و عاقل (رک. قابوس نامه، به اهتمام و تصحیح غلام حسین یوسفی، ص ۲۹۱).

۳) بخشودنی کس: شخص درخور ترحم (رک. لغت نامه دهخدا، ذیل بخشودنی) / معنای قسمت دوم نیز درست نیست، به جای «که» «واو» در معنی لحاظ شده و ساخت معنی را مختل کرده است.

۴) بطمع محال از آن بتر نیابی: به خاطر طمع بیهوده از آن چیزی که خوب سامان یافته چیز بدتری به دست نیآوری (آن را خراب نکنی).

۹۵. گزینه ۳.

۱) بدان سبب جوانان را نرسد (ص ۵۸)

۲) و ثمره آن برداشته، جوان را بتر (همان)

ابیات عربی کلیلہ و دمنہ

۹۶. گزینه ۴. ترکیب کامل بیت:

یَطْوِي: فعل مضارع معتل لفيف مقرون/الحريص: فاعل اسم ظاهر و مرفوع به اعراب ظاهري اصلي (صيغه های ۱ و ۴ در ماضی مضارع فاعل اسم ظاهر و ضمير مستتر می گیرند و در بین این دو، اولویت با اسم ظاهر است)/الارض: مفعول به و منصوب به اعراب ظاهري اصلي/في طلب: جار و مجرور/الغني: مضاف اليه و تقدیراً مجرور(غنی یک اسم مقصور است)/و: حرف عطف/یری: فعل مضارع معتل ناقص/الجبان: فاعل اسم ظاهر و مرفوع به اعراب ظاهري اصلي/هلاک: مفعول به و منصوبه به اعراب ظاهري اصلي/ه: مضاف اليه و محلاً مجرور/في حروب: جار و مجرور/ه: مضاف اليه و محلاً مجرور.

۹۷. گزینه ۲. با توجه به عبارت «نگذشت بس روزگاری که حقارت نفس و انحطاط منزلت خویش در دل موشان بشناختم» و ترجمه گزینه ها:

(۱) زیان کرد این جهان و آن جهان را (در دنیا و آخرت زیان دیده است)؛ (در هیچ کجای عبارت به زیان اخروی اشاره ای نشده است)

(۲) هر کس مال و ثروتش کم گردد بر اهل و عیالش خوار می شود(دقیقاً با صورت سوال همخوانی دارد. از دست دادن زر= کم شدن ثروت/حقارت نفس و انحطاط منزلت در دل موشان= خوار شدن بر اهل و عیال)

(۳) مال اندک که(درحالی که) تو آن را به صلاح به کار بندی باقی می ماند.

(۴) برگزیدگان شما خوش خوی ترین شمايند.

۹۸. گزینه ۲. معنی دقیق بیتها به حل این پرسش بسیار کمک می کند:

(الف) ای ملامت کننده من، همانا برخی ملامتها در شتی و خ شونت است(جمله در م صرع اول تمام شد و وا بستگی معنایی به مصرع دوم ندارد) و آیا هیچ متاعی، هرچند باقی بگذارمش، باقی ماندنی است؟

(ب) و آنگاه که خواسته من با من ترش رویی کرد(جمله در م صرع اول ناتمام مانده است و از نظر معنایی به مصرع دوم نیاز دارد) با زمانه آن طور که خواست حرکت کردم.

نکته: آگاهی نسبت به نقش «لَمَّا» در این بیت کمک شایانی به انتخاب گزینه صحیح می‌کند. «لَمَّا» هر گاه بر سر فعل ماضی (تَهَجَّم) وارد شود ظرف زمان است و معنی «هنگامی که، آنگاه که، چون و...» می‌دهد. حرف «أَنَّ» در این جا زائد است و نباید آن را با حرف ناصبه اشتباه گرفت. «نُون» در «تَهَجَّمَنِي» نیز حرف وقایه است.

ج) تا زمانی که زنده هستی از حوادث بزرگ باک مدار(جمله در مصرع اول تمام شد)؛ [زیرا که] هر حادثه‌ای غیر از مرگ آسان است.

د) خوش‌ترین روزهای آدمی و محبوب‌ترین آنها(جمله در مصرع اول ناتمام مانده است و از نظر معنایی به مصرع دوم نیاز دارد) آن است که با دوستان بگذراندش.

۹۹. گزینه ۳.

هَوْنْتُ: آسان کردم، خوار کردم (از ریشه هون: خواری)/الخطوب: جمع خطب، کارهای بزرگ، امور عظیم/أَمْنَحُ: بخشیدم(از ریشه مَنَح: بخشیدن، عطا کردن).

۱۰۰. گزینه ۳.

معنی بیت:

«بعضی از آنچه من در دل نهان دارم شبها را(روزگار را) اندوهگین می‌کند و کمتر از آنچه که من حامل آنم، بر کوه رضوی سنگینی می‌کند».

۱) از حوادث روزگار رهایی نخواهند یافت، نه کوه‌های سخت و نه آن بز کوهی که دستان سپید دارد(مفهوم این بیت تناسبی با بیت سوال ندارد و تاکید این گزینه بر این است که حوادث روزگار همه را در بر می‌گیرد).

۲) فقط با حریص نبودن است که نوشته منشور(فرمان) ننگ پاک می‌شود.

۳) به سبب دوری تو هر شب فلک رنجی برای من به وجود می‌آورد/ که اگر خور شید آن رنج را بکشید دیگر طلوع نمی‌کند(مشابه آنچه در بیت سوال آمده است).

۴) آنگاه که دیدم که او را کشته‌ام پشیمان گشتم، پشیمانی‌ای که وقتش گذشته بود(و سودی نداشت).